

نامت خیس از ستاره تا خاک

(گزیده شعر دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارسنجان)

به کوشش:

محمدحسین ابراهیمی - علی محمد رضایی - علی اسکندری

انتشارات نوید شیراز

بسم الله الرحمن الرحيم

سرشناسه	: ابراهیمی، محمد حسین، ۱۳۶۴ - گردآورنده
عنوان و نام پدیدآور	: نامت خیس از ستاره تا خاک: (گزیده شعر دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارسنجان) / به کوشش محمدحسین ابراهیمی، علی محمد رضایی، علی اسکندری.
مشخصات نشر	: شیراز: نوید شیراز، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	: ۲۰۸ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۱۹۲-۳۲۲-۷
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
عنوان دیگر	: گزیده شعر دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارسنجان.
موضوع	: شعر فارسی -- قرن ۱۴ -- مجموعه‌ها
شناسه افزوده	: رضایی، علی محمد، ۱۳۵۷ - ، گردآورنده
شناسه افزوده	: اسکندری، علی، ۱۳۴۳ - ، گردآورنده
شناسه افزوده	: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ارسنجان
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۲ ۳۹/۵۲۳ PIR۴۰
رده بندی دیویی	: ۸۹۱/۶۲۰۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۲۰۵۳۵۰



نامت خیس از ستاره تا خاک

(گزیده شعر دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارسنجان)

به کوشش: محمد حسین ابراهیمی، علی محمد رضایی، علی اسکندری

طرح جلد: محمدحسین ابراهیمی □ لیتوگرافی: آرش □ چاپ: واصف

چاپ اول: ۱۳۹۳ □ حق چاپ محفوظ □ تیراژ: ۱۱۰۰ جلد

انتشارات نوید شیراز

دفتر شیراز - تلفن ۶۲-۲۲۶۶۶۱ □ دفتر تهران - تلفن ۵۹۴۵-۸۸۹۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۹۲-۳۲۲-۷ ISBN: 978-600-192-322-7

۴۲۰۰ تومان

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۷	پیشگفتار
۱۱	مقدمه
۱۷	محمد حسین ابراهیمی
۱۹	محمد حسن اسکندری
۲۱	وحید اسکندری
۲۴	نازیتا برزگر
۲۶	حبیب بکه‌دانی
۲۸	محمد حسین بهرامیان
۳۵	بشیر جاویدی
۳۹	محمد جواد حسن شاهی
۴۲	مسعود حسن شاهی
۴۴	کاووس حسن‌لی
۵۱	محمد کاظم حسینی
۵۴	سید محمد هادی حسینی
۵۶	پرویز خائفی
۶۰	زهرا رئیس‌السادات
۶۳	محمد رضا رئیسی
۶۵	مژگان رجایی
۶۷	علی محمد رضایی

۶۹	نصرائلہ (کوروش) رضایی
۷۱	محسن رضوی
۷۳	علیرضا صائب
۷۷	عبدالرسول صادق پور
۸۰	فاطمہ صادقی پور
۸۳	سید محمد عطا عظیمی
۸۶	پیمان فرخی
۸۹	صادق فلاحی
۹۱	مرضیہ قانیدی
۹۴	آیگین قهرمانی
۹۶	فاطمہ کاظمی
۹۹	مہدی کاووسی
۱۰۲	جلال محمدی
۱۰۴	خسرو محمودی
۱۰۶	نجمہ موثق فر
۱۰۸	حسین نعمتی
۱۱۱	علیرضا آبیز
۱۱۵	محبوبہ افشاری
۱۱۸	سیما بازدار
۱۲۳	علیرضا بہنام
۱۲۶	سید محمد امین جعفری حسینی
۱۳۰	محمد خلیل جمالی (مذنب)
۱۳۴	حبیب اللہ حسینی میرآبادی
۱۳۷	ہادی خوانساری
۱۴۱	احد دہ بزرگی
۱۴۵	صدرا ذوالریاستین
۱۴۷	عبدالحمید رحمانیان
۱۵۲	رضا رحیمی

۱۵۸	منصور رستگار فسائی
۱۶۰	ایرج زبردست
۱۶۳	علی عبداللہی
۱۶۸	فاطمہ قاندی
۱۷۳	خسرو قاسمیان
۱۷۵	مہرنوش قربانعلی
۱۸۱	غلامرضا کافی
۱۸۴	ہاشم کرونی
۱۸۹	سعیدہ کشاورزی
۱۹۴	غلامعلی مجرد
۱۹۶	نصر اللہ مردانی
۱۹۹	پروانہ نجاتی
۲۰۲	زہرا نعمتی
۲۰۴	طیبہ نیکو

پیشگفتار

در شمال شرق استان شاعرخیز فارس، خطه‌ی ارسنجان رقم خورده است. شهری که جغرافیای تاریخی و پیشینه‌ی علمی، فرهنگی، مذهبی، ادبی و هنری‌اش، بارها مورد توجه باستان‌شناسان و پژوهشگران ایرانی و خارجی قرار گرفته و در متون گذشته و تاریخ نوشته‌های معاصر نقد و بررسی شده است.

آثار به جای مانده از دوره‌ی هخامنشیان و ساسانیان در دل تپه‌ها و کوه‌ها، شکل‌گیری مدرسه‌ی علمیه‌ی سعیدیه^۱ در دوره‌ی صفویه، شکل‌گیری مدارس امروزی^۲ و دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارسنجان^۳ در عصر معاصر و عالمان، عارفان، روحانیون و شاعران بزرگی که در این گذر رخ نموده‌اند، گویای اهمیت علمی و تاریخی این دیار دیرینه است.

در این میان شعر و ادبیات گذشته‌ی ارسنجان نیز شاعران پرآوازه‌ای چون میرزا محمود خان "آغاز"، میرزا مصطفی خان "انجام"، بانو سکینه‌ی آغازی، دکتر مهدی حمیدی شیرازی، ناصرالدین خان "سالار"^۴، ملا محمد شفیع اشرف‌الکتاب ارسنجانی "آثار"^۵، شهاب ارسنجانی و ... را به خود دیده است.

۱. مدرسه‌ی سعیدیه در سال ۱۰۸۵ هجری قمری توسط حاج سعید در ارسنجان بنا شده است. این مدرسه در نوع خود بسیار با شکوه است و در گذر زمان روحانیون و علمای برجسته‌ای در آن به تدریس و تحصیل پرداخته‌اند.

۲. اولین مدرسه به شکل امروزی در سال ۱۲۰۳ هجری شمسی توسط ناصرالدین خان سالار شاعر پرآوازه‌ی فارس در ارسنجان تأسیس شد.

۳. دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارسنجان در سال ۱۳۶۶ هجری شمسی تأسیس شد.

۴. میرزا محمود خان "آغاز"، میرزا مصطفی خان "انجام"، بانو سکینه‌ی آغازی، استاد دکتر مهدی حمیدی شیرازی و ناصرالدین خان سالار از شاعران برجسته‌ی دوره‌ی قاجاریه و از بازماندگان الله وردی خان سپهسالار ایران و حاکم فارس در دوره‌ی شاه عباس کبیر هستند که در ارسنجان به خاندان ابراهیمی مشهورند. ناصرالدین خان سالار، بانو سکینه‌ی آغازی و فرزندش استاد دکتر مهدی حمیدی شیرازی در مسیر زندگی گام‌های بزرگی در راه حفظ و گسترش جریانات علمی، فرهنگی و آموزشی فارس و کشور برداشتند.

۵. ملا محمد شفیع اشرف‌الکتاب متخلص به "آثار" و برادرش ملا محمد حسین افتخار الکتاب و پدرشان ملا علی عسکر از خوشنویسان و قرآن‌نویسان دوره‌ی قاجاریه محسوب می‌شوند که قرآن‌ها و دعا‌های نفیسی به خط این نیکان روزگار در موزه‌های ایران به چشم می‌خورد.

و اما از گذشته‌ی تاریخی و ادبی ارسنجان که بگذریم:

با گشایش دانشگاه آزاد اسلامی در ارسنجان، فصل جدیدی از تغییر و تحولات علمی و فرهنگی در این شهر آغاز شد و اساتید و دانشجویانی به این دیار پا نهادند، که یا شاعر و نامی بودند و یا تازه دستشان شاخه‌ای از درخت تنومند شعر و ادب پارسی را گرفته بود. اما دیری نگذشت که دانشگاه زمینه‌ساز جریان‌ات مهم ادبی شهر و استان شد و شعر ارسنجان نیز شکل دیگری یافت و در کنار نام‌های بزرگ گذشته، نام‌های تازه‌ای را به خود دید. تا جایی که امروز خیلی از چهره‌های آشنای شعر فارس و کشور یا اهل این خطه‌اند یا روزگاری را در این دانشگاه گذرانده‌اند.

و ناگهان:

با نگاهی به سیر تاریخی شعر دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارسنجان و حجم گسترده‌ی شاعرانی که در طی سال‌های رفته و آمده با نام دانشجو، استاد یا مهمان در این دانشگاه شعرخوانی کرده و از خود خاطره‌ای به یادگار گذاشته‌اند، به همراهی دوستانم، علی محمد رضایی و مهندس علی اسکندری طی مدت‌ها تحقیق و تلاش، شعر این شاعران را از آغاز تا امروز جمع‌آوری کردیم و حقیر برای معرفی هر شاعر چند خط نگاشتم. سپس دانشور فرزانه آقای علی عبداللهی مقدمه را قلم زدند و با حمایت دکتر حیدر آقابابا معاون پژوهشی واحد ارسنجان «نامت خیس از ستاره تا خاک» را به انجام رساندیم.

و اما:

می‌دانیم که دانشجویان، اساتید و مهمانان شاعری هم بوده و هستند که نامشان از حافظه‌ی مؤلفین و قلم افتاده است، از این رو آنان را به دفتر بعدی می‌سپاریم.

و در واپسین سطرها:

برای استاد گرامی خانم نسرین اسکندری^۱ و سرکار خانم‌ها نسرین جوادی‌نژاد و کتایون امیراحمدی که در ویراست این مجموعه راهنمای بنده بودند، آرزوی موفقیت و بهروزی دارم و این مجموعه را به پدر و مادر ارزشمندم و همه‌ی کسانی که نبضشان برای شعر و ادبیات پارسی می‌زند، تقدیم می‌کنم.

محمد حسین ابراهیمی

زمستان ۱۳۹۱

همه می‌دانیم که شعر در سرزمین ما جایگاه ویژه‌ای دارد و شاعران فارسی‌گو، شاهکارهای رشک‌برانگیزی آفریده‌اند که هم از نظر درون‌مایه و هم از نظر ساختار و قالب، در ادبیات جهان کم‌نظیر است. کم نیستند شاعران بزرگ سرزمین‌های دیگر که به زبان‌های دیگر شاهکارهایی سروده‌اند، ولی تا پیش از سده بیستم، ادبیات کمتر زبانی به اندازه‌ی زبان فارسی توانسته مرزهای اقلیمی - زبانی خود را درنوردد و به سایر زبان‌ها و فرهنگ‌ها راه یابد. نگاه‌های اجمالی به شمار فراوان ترجمه‌های صورت گرفته از رباعیات خیام، شاهنامه‌ی فردوسی، منظومه‌های عرفانی عطار، غزلیات مولوی، حافظ، سعدی، جامی و منظومه‌های نظامی و بسیاری شاعران دیگر در ادبیات غرب و شرق، کم و بیش این ادعا را به اثبات می‌رساند. به گواه آثار درخشان فارسی زبان، ادبیات فارسی، هم دیرینه سال است و هم پرشکوه و آکنده از مضامین بلند گونه‌گون که بسیاری در سرزمین‌های غیرفارسی زبان مانند هندوستان، سرزمین قفقاز و آسیای صغیر و بالکان خلق شده‌اند. در این مورد هم به گواه ادبیات پژوهان، زبان فارسی دست‌کم تا پیش از جهان‌گیر شدن زبان انگلیسی، یکی از پویاترین

زبان‌هایی است که در خارج از حوزه‌ی اصلی خود بستر خلق شاهکارهای خواندنی بسیاری است. بیهوده نیست که در کنار سایر دستاوردهای فکری و تمدنی ایرانیان، شعر همچنان جایگاه ویژه‌ای دارد که در کمتر زبانی نظیرش را سراغ داریم. البته این را هم می‌دانیم که این پیشینه‌ی درخشان شعری، با آنکه مایه‌ی مباحثات فارسی‌گویان است، ولی در دوران کهن، نثرنویسی و فلسفه‌ورزی را در سایه‌ی سنگین خود قرار داده و مانع شکل‌گیری سنت قوی فکری - فلسفی - داستانی در ساحت نثر شده است. دامنه‌ی این ویژگی حتی به امروز هم رسیده و همچنان شعر، در ادبیات فارسی حرف اول را می‌زند. البته بررسی این خصلت و آسیب‌شناسی آن در نوشتار حاضر نمی‌گنجد و کاری سترگ و همه‌جانبه را می‌طلبد.

در جایی، هولدرلین، شاعر آلمانی زبان، نوشته است که "سرودن بی‌گناه‌ترین پیشه‌هاست". شاید ورطه‌ای پرخطر و سهمناک که همگان نمی‌توانند از آن به سلامت جان به در ببرند. این را هم می‌دانیم که در ادب فارسی در کنار شاهکارهای بی‌نظیر و شاعران بزرگ، انبوه شاعران درجه‌ی دو و سه و... هم هستند که در سایه‌ی غولان زیبا گم شده‌اند و غیر از پژوهشگران ادبی، کمتر کسی سراغشان را می‌گیرد و آثارشان را می‌خواند. شاید در اینجا سخن هولدرلین سوای معانی عمیق هستی‌شناختی و فلسفی‌اش، از نظر تقدیر شاعرانه قابل تأمل و معنادار باشد و چه بسا ناخودآگاه ما را به یاد عبارت معروف "فیض روح‌القدس" یا "آن" حافظ شیراز بیندازد که اگر کسی واجدش نباشد، سخنش بر دل نمی‌نشیند و فقط در بهترین حالت در عمارت پرشکوه سنت ادبی، حجره‌ای کوچک و زاویه‌ای محدود برای خود می‌یابد.

هرچه باشد، تقدیر زبان فارسی تا پیش از این، این گونه بود و اکنون این زبان به دوراهی معناداری رسیده که باید تکانی به خود بدهد و از خاکستر گرم ققنوس گذشته برخیزد. شاعر نیز باید هم نگاهی عمیق به سنت‌های کهن خود بیندازد و هم پاسخ‌گوی جهان نو غیرشعری و نثری امروز باشد. به سخن دیگر، نه افتخارات گذشته بدون بازبینی و بازشناسی و روزآمد شدن به کار نسل شتابناک امروز می‌آید و نه می‌توان یکسره ره‌ایش کرد. شاعر امروز نیز اگر به موازات از آن خود کردن سنت، مسلح به نگاه امروزی و دیدگانی تازه نشود و مناسبات جامعه‌ی امروز را درنیابد، قطعاً راهی به دهی نخواهد برد. در آستانه‌ی جهان نو با رسانه‌های نو به نوبی که به وجود می‌آیند و انسانی که در دل آن می‌زید و با دگرگونی‌های سهمگین روبروست، شاعر نیز چاره‌ای ندارد جز فروگذارن برخی وظایف و کارکردهای کهن و پیشین شعر و درک نیازهای تازه، در پیش گرفتن تمهیدات بیانی نو، و برساختن جهان شاعرانه‌ای که از "روح زمانه" برمی‌آید و دوران ما را تبیین می‌کند.

همچنین می‌دانیم که شاعران فارسی‌زبان، گام‌های اولیه‌ی نوگرایی را پس از مشروطه و دگرگونی عظیم نیما و شاگردان و پیروان بعدی‌اش برداشته‌اند و همچنان پیش می‌روند، ولی در قیاس با سایر زبان‌ها، شاعران فارسی‌زبان هنوز نتوانسته‌اند در بیرون از مرزها، سنت درخشان ادب کهن را نمایندگی کنند و جایگاه بایسته‌ی خود را بیابند. این ناکامی نسبی، فقط به مهجوریت روا یا ناروای امروزین زبان فارسی بر نمی‌گردد بلکه عوامل بسیاری در آن دخیل است که بخشی از آن به جهان‌نگری و کیفیت شعر معاصر ما برمی‌گردد.

رسانه‌های تازه و مناسبات نو، در کنار مخاطرات احتمالی، فرصت‌ها و گشایش‌هایی را پیش روی شاعر امروز قرار می‌دهند که می‌توان به خوبی از آن بهره برد. بنیادهای دانشگاهی نیز باید هم‌زمان با شرایط جدید، رویکردهای جدیدی در قبال شعر در پیش گیرند. غفلت مؤسسات دانشگاهی به حدی است که به نظر می‌رسد، بیرون از فضای دانشگاه‌ها دست‌کم در زمینه شعر، طراوت و پویایی بیشتری به چشم می‌خورد. اگر رویکرد کنونی دانشگاه‌ها در زمینه‌ی مواد درسی، شیوه‌ی تدریس و عدم تأسیس رشته‌های تخصصی در دل رشته‌ی کلی ادبیات فارسی، بر همین منوال پیش برود، دیگر مرجعیت این نهاد موثر در زمینه‌ی شناخت و پژوهش شعر، به کلی از بین خواهد رفت. در این معنا بجاست که رویکرد دانشگاه‌ها در قبال ادبیات نیز دگرگون شود و شیوه‌های کهن تدریس ادبیات جای خود را به شیوه‌های تازه‌تری بدهد که با دنیای امروز همخوانی بیشتری دارد. البته این کاستی فقط با به کار گماردن استادان خوب و متون خوب و تربیت دانشجویان پرسشگر برطرف نمی‌شود، بلکه دانشگاه باید بتواند استعداد‌های شعری دانشجویان و شاعران بیرون از حوزه‌ی دانشگاه را شناسایی و حمایت کند. چاپ پی‌درپی گزینه‌های شعر شاعران محلی و منطقه‌ای یکی از این وظایف است که می‌تواند در شناخت روند خلاقیت ادبی موثر واقع شود. در کنار این کار و فراتر از آن، لازم است گروه‌های زبان خارجی دانشگاه‌های مختلف، جُنگ‌های تجربی تحقیقی از ترجمه‌ی شعر شاعران سراسر جهان را با همکاری استادان و دانشجویان با استعداد و علاقه‌مند منتشر کنند، تا سلیقه‌ی شعری جامعه و جهان شاعران وسعت گرفته و همدلی بیشتری با روند شعر جهان شکل بگیرد. قطعاً با در

پیش گرفتن چنین شیوه‌ای، بیگانگی بدل به همدلی و درک متقابل می‌شود و از دشمنی‌ها می‌کاهد. مگر هنوز که هنوز است جز کنش کهن و پرپیشینه‌ی ترجمه، راه بهتری برای نزدیک‌تر کردن فرهنگ‌ها به همدیگر وجود دارد؟ گزینه شعر حاضر چه بسا، در زمینه‌ی سرایش، کم‌وبیش چنین هدفی را دنبال کند، ولو اینکه دستاوردی ناچیز داشته باشد و گام نخست باشد.

نخستین بار است که نگارنده یادداشتی بر گزینه شعری می‌نویسد که خودش فراهم نکرده و حتی فراتر از آن، در انتخاب شعرهای خودش در آن هیچ نقشی نداشته است. دوست شاعر و نویسنده‌ی ما محمدحسین ابراهیمی با دوستانش در دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارسنجان زحمت گردآوری این دفتر را کشیدند و کار تمام شده را به من سپردند برای خواندن و نوشتن این یادداشت ناچیز.

همان‌طور که می‌بینید این دفتر دو بخش دارد: بخش نخست دربردارنده‌ی شعرهایی از سی و سه تن از شاعران بومی منطقه است، شاعران با سابقه و جوان با جهان‌های شعری گوناگون و خاستگاه‌های مختلف که آثاری در قالب‌های کهن و نو سروده‌اند. بخش دوم "شعر مهمان" همان‌گونه که از نام آن پیداست، به شعر شاعران مهمانی اختصاص دارد که طی این سال‌ها در آن دانشگاه شعرخوانی یا سخنرانی داشته‌اند. شمار این شاعران بیست و شش نفر است که بازهم هر کدام جهان شعری خاص خودشان را دارند و برخی نام‌آشنا و برخی جوانند و همگی در قالب‌های مختلف می‌سرایند. بی‌آنکه قصد ارزش داوری شعرها و شاعران دفتر را داشته باشم، نمی‌دانم در بخش نخست، چه شاعران مطرح یا جوانی جایشان خالی است، آثارشان در این دفتر نیامده و از قلم افتاده‌اند، ولی در بخش مهمان یقین دارم که تکلیف گردآورنده مشخص

بوده، انتخاب‌ها جهت خاصی داشته است و شامل آثار تمام یا اکثر شاعران مهمان می‌شود. می‌دانم و می‌دانید که در زبان فارسی شاعران مطرح بسیاری هستند که نامشان در این دفتر نیامده و همان گونه که یادآور شدم این گزینه به کوشش گردآورنده، به سعی دانشگاه و برای دانشجویان علاقه‌مند آن واحد و سایر واحدها فراهم آمده و در نهایت گزینه‌ای بومی با رویکردی محدود و ملاحظات خاص خود است.

ناگفته پیداست، زمانی این تلاش موثرتر واقع می‌شود که این دانشگاه گزینه‌های مشابه دیگری در آینده منتشر کند و مهم‌تر از آن این سنت در دانشگاه‌های دیگر ایران نیز ادامه یابد تا در نهایت پژوهشگران بتوانند نمونه‌های نسبتاً کامل و موثقی از دستاوردهای شعر دانشجویان شاعر در دوره‌ای خاص در دسترس داشته باشند. چنین آثاری قطعاً به کار پژوهشگران دانشگاهی و غیردانشگاهی در زمینه‌ی شعر می‌آید و گشایش راهی است که به سرانجامی نیک می‌رسد. ضمن سپاس از این اقدام شایسته، برای گردآورنده و دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارسنجان کامیابی آرزو می‌کنم.

علی عبداللہی

پاییز ۱۳۹۱